

هویت ملی ایران

دستبرد به تاریخ دریایی ایران؛ روایت تلخ افول لنج‌های چوبی در خلیج فارس

در دل آب‌های نیلگون خلیج فارس، روایت هزاران سال دریانوردی ایرانیان با لنج‌هایی که از تصویر ذهنی ناخدایان زاده می‌شد، نه از روی نقشه، در حال خاموش شدن است. لنج‌های چوبی سنتی که با نام محلی «جُهاز» شناخته می‌شوند، روزگاری واسطه‌ی اصلی ارتباط با جهان، انتقال فرهنگ، تجارت و صیادی بودند؛ اکنون اما، یکی‌یکی به دست دلالان عرب سپرده می‌شوند و میراثی که روزی بخشی از هویت ملی ایران بود، آرام آرام به vitrine‌های قطری‌ها و اماراتی‌ها منتقل می‌شود.

به گزارش گروه صنعت و تجارت-پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت، از بندر دیر تا زنگبار؛ مسیرهایی که فرهنگ حمل می‌کردند لنج‌های ایرانی، با بدنه‌هایی از چوب‌های مقاوم جنگلی و تخته‌های مرغوب وارداتی از هند نظیر «چوب سای» یا «چوب برمه» از استان‌های بوشهر، هرمزگان، خوزستان و سیستان و بلوچستان راهی سفرهای دور و دراز می‌شدند.

مقصد آن‌ها، بنادر قدیمی آفریقایی چون مومباسا و زنگبار و کرانه‌های هندوستان بود. مسافرت‌هایی که بیش از جابه‌جایی کالا، حامل تاریخ، موسیقی، آیین و روایت‌های جنوب بودند. در کارگاه‌های سنتی لنج‌سازی که هنوز هم در برخی شهرهای بندری به سختی نفس می‌کشند. «گلاف»ها (لنج‌سازان) با کمتترین ابزار و بیشترین مهارت، این شناورهای افسانه‌ای را می‌ساختند.

اجرای آیین‌های خاص هنگام به آب انداختن لنج، خواندن آوازهای دریایی، و اجرای اشعار «سلی» با مضمون صلوات بر پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد که این لنج‌ها صرفاً ابزار حمل‌ونقل نبودند، بلکه نمادهای زنده‌ای از هویت و آیین ایرانی بودند.

سیاست‌های اشتباه

آغاز افول لنج‌های چوبی در شرایطی که یونسکو هنر لنج‌سازی ایرانی را در فهرست میراث جهانی بشر ثبت کرده است، تصمیمات نهادهای داخلی به‌ویژه وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت‌های پیشین مسیر حفظ این میراث را وارونه کردند.

با صدور مصوبه‌ای در راستای کنار گذاشتن لنج‌های چوبی به نفع شناورهای فایبرگلاس وارداتی از چین، میراثی سه‌هزارساله از چرخه رسمی دریانوردی ایران حذف شد. این تصمیم به بهانه‌های ایمنی اتخاذ شد، اما در واقع باعث حذف تدریجی لنج‌ها از سواحل ایران شد.

بسیاری از دریانوردان نیز به دلیل سختی‌های نگهداری و هزینه‌های بالای مرمت، لنج‌های خود را به ارزان‌ترین قیمت به فروش گذاشتند. دست‌های پنهان در پس خریدهای میلیاردری اما غفلت ما، برای دیگران فرصت شد.

به گفته محمد کنگانی، مدیر انجمن سیراف پارس موزه در بوشهر، کشورهایی نظیر قطر و امارات با جدیت و رقابت بالا، در حال خرید و انتقال این لنج‌های تاریخی به سواحل خود هستند. آن‌ها با واسطه‌گری دلالان، لنج‌های ایرانی را به قیمت‌های نازل از دریانوردان خریداری می‌کنند، در کشورهای خود مرمت کرده و از آن‌ها در توسعه گردشگری دریایی بهره می‌برند.

کنگانی گزارش داده است که در بازدید از سواحل قطر در زمان برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲، تعداد قابل توجهی از قایق‌ها و لنج‌های ایرانی در حال فعالیت برای گردشگری مشاهده شده‌اند.

جالب آنکه قیمت هر لنج سنتی ایرانی بدون احتساب موتور اکنون تا حدود ۳ میلیارد تومان نیز برای خریداران عرب می‌رسد، در حالی‌که تنها هفت سال پیش این لنج‌ها با قیمتی در حدود ۱۰۰ میلیون تومان خریداری می‌شدند.

از سویی دیگر، قایق‌های سنتی یک‌تکه که از تنه‌ی درخت ساخته می‌شدند، با قیمت‌هایی باورنکردنی در حد ۲۵۰ هزار تومان از ماهیگیران ایرانی خریداری و به خارج از کشور منتقل شدند.

به گفته کارشناسان، این دستبرد خرنده به میراث دریایی ایران، تهدیدی جدی برای مالکیت تاریخی ایران بر فرهنگ دریایی خلیج فارس محسوب می‌شود. میراثی در حال مهاجرت؛ آینده‌ای که می‌توانست متفاوت باشد از گذشته‌ای پرشکوه تا کنونی فراموش‌شده، لنج‌های چوبی ایرانی قربانی بی‌توجهی و نبود سیاست‌های حمایتی شده‌اند.

آنچه اکنون در سواحل ایران کمتر دیده می‌شود، در آب‌های ابوظبی و دوحه به نماد گردشگری و تمدن دریایی بدل شده است. اگرچه ثبت جهانی هنر لنج‌سازی در یونسکو به نام ایران انجام شده، اما به نظر می‌رسد مالکیت معنوی بدون حمایت فیزیکی و سیاست‌گذاری صحیح، توانایی حفظ این میراث را ندارد.

اینک، که کشورهای دیگر با سرمایه‌گذاری در حال تصاحب گذشته‌ی دریایی ما هستند شاید بی‌تدبیری ما در حفظ صنایع‌دستی و میراث ملی دریایی که

بخشی از هویت ایران کهن است، باعث شده امروز کشورهای عربی جرأت دست‌درازی به نام جزایر سه‌گانه و خلیج فارس را به خود بدهند؛ گرگ‌های بی‌هویتی که هر بار، تکه‌ای از وجود ما را به‌واسطه ضعف اقتصادی ساحل‌نشینان برمی‌دارند و در قابی جدید، آن را به جهانیان به‌عنوان میراث خود معرفی می‌کنند.

لنج‌سازی، این هنر سه‌هزار ساله ایرانی، هنوز هم می‌تواند «شغل‌ساز» و «پول‌ساز» باشد؛ اگر مسئولان، دغدغه ایران، فرهنگ و ریشه‌های هویتی این سرزمین را داشته باشند. با شعر و شعار هیچ چیز حفظ نمی‌شود. فرهنگ و تاریخ، نه با سخنرانی، بلکه با حمایت واقعی، برنامه‌ریزی اقتصادی، سرمایه‌گذاری در صنایع بومی و احترام به ریشه‌ها زنده می‌ماند.

زمان آن رسیده است که میراث‌داران واقعی این سرزمین، یعنی مردمان جنوب، دوباره نقش‌آفرین شوند و صدای فرهنگ ایرانی در خلیج فارس، نه از گلولی موزه‌های قطری، بلکه از کارگاه‌های لنج‌سازی در بوشهر، هرمزگان، خوزستان و چابهار طنین‌انداز شود.